



بررسی مسائل کشورها

مروری بر ویژگیهای اقتصادی مکزیک

ویژگیهای عمومی

گرم و مرطوب با متوسط درجه حرارت ۱۸ درجه سانتی گراد می‌باشد. مناطق کوهستانی مکزیکی از آب و هوای معتدل برخوردار است. قسمت اعظم جنوب و شمال این کشور کم‌یزرع است. بالاترین درجه حرارت در مکزیکی ۵۸ درجه سانتی گراد

ایالات متحده — مکزیکی
بزرگترین (The United Mexican States) کشور در آمریکای مرکزی است. این کشور با وسعتی معادل ۱۹۵۹۰۳۸ کیلومتر مربع از شمال به ایالات متحده آمریکا و از جنوب به گواتمالا و بلزیز (Belize) محدود شده است. خلیج مکزیکی و دریای کارائیب در شرق این کشور واقع شده و اقیانوس آرام و خلیج کالیفرنیا در غرب آن قرار دارند. مناطق جنوبی این کشور گرم و مناطق ساحلی آن



است. زبان اصلی مردم مکزیک اسپانیولی و حدود ۹۰ درصد از جمعیت آن به این زبان و ۸ درصد هم به زبانهای محلی تکلم می‌کنند. تقریباً تمامی مردم مکزیک مسیحی هستند و ۹۶ درصد از آنها پیرو مذهب کاتولیک می‌باشند. پایتخت این کشور مکزیکوسیتی می‌باشد که جمعیتی حدود ۲۰ میلیون نفر را در خود جای داده است. جمعیت مکزیک بر اساس برآوردهای سال ۱۹۸۷ بالغ بر ۳/۱۸۰ میلیون نفر می‌باشد. واحد پول آن پزو می‌باشد که هر پزو معادل یکصد سنتاوس (Centavos) تعیین شده است.

ویژگیهای سیاسی^۲

کشور مکزیک توسط هرنان کورتز-هرنان (Her-nan Cortés) فرمانده نظامی اسپانیایی در قرن شانزدهم تسخیر گردید و تازمان جنگهای استقلال طلبانه (۱۸۱۰-۲۱ میلادی) تحت سلطه اسپانیا قرار داشت. پس از جنگ ۱۸۴۶ که بین آمریکا و مکزیک در گرفت، حدود نیمی از اراضی مکزیک به آمریکا واگذار گردید. از سال ۱۸۷۶ تا انقلاب سال ۱۹۱۰، این کشور بوسیله رژیم دیکتاتوری پور فیرویودیاز (Por Firo Díaz) اداره می‌گردید قانون اساسی مکزیک

در ۵ فوریه ۱۹۱۷ در پایان انقلابی که از سال ۱۹۱۰ در مقابل رژیم دیکتاتوری دیاز آغاز شده بود اعلام گردید. قانون اساسی در ارتباط با مذهب، آموزش، مالکیت و بهره‌برداری از معادن همگی تحت تأثیر انقلاب و در راستای اهداف آن قرار داشت و مواردی از جمله اصلاحات ارضی، طرح قانون کار و محدود نمودن قدرت کلیسا و همچنین سلب مالکیت از شرکتهای نفتی خارجی را در بر می‌گرفت.

ریاست قوه مجریه با شخص رئیس جمهور است که برای مدت ۶ سال و با رای مستقیم مردم انتخاب می‌شود. جمهوری فدرال مکزیک از ۳۱ ایالت و یک حوزه فدرالی (در اطراف پایتخت که شامل چندین شهر کوچک و روستاست) تشکیل شده است. بر طبق قانون اساسی، قدرت قانون گذاری به کنگره عمومی (General Congress) واگذار گردیده که از دو مجلس نمایندگان و سنا تشکیل شده است. مجلس سنا دارای ۶۴ عضو است (۲ نماینده برای هر ایالت و حوزه فدرال) که برای مدت ۶ سال انتخاب می‌شوند. اعضاء مجلس نمایندگان با رأی مستقیم مردم و به مدت سه سال انتخاب می‌شوند. تعداد نمایندگان مجلس ۴۰۰ نفر است که ۳۰۰ نفر از آنان را نمایندگان منفرد و باقیمانده آنها را

1- EIU, *Country Profile, Mexico 1988- 89* (London: EIU, 1988- 89). P.2.

2- Europa Publications, *Europa Yearbook*, vol. 2, 1987 (London: Europa Publications 1987). P.1875.

کشور را بعنوان یک کشور وابسته به غرب و
بوئره آمریکا درآورده است.

ویژگیهای عمده اقتصادی:

حسابهای ملی:

در بین سالهای ۱۹۶۵ تا ۱۹۸۴ تولید ناخالص ملی سرانه واقعی از نرخ رشد متوسطی حدود ۲/۹ درصد برخوردار بوده است. تولید ناخالص داخلی سرانه مکزیک بقیصمت جاری در سال ۱۹۸۴ بالغ بر ۳۷۴۳۸۴ پزو (۲۲۳۱ دلار) اعلام گردیده که این رقم در سال ۱۹۸۷ به ۲۲۵۴۰۴۷ پزو (معادل ۱۶۳۵/۵ دلار بر اساس نرخ برابری سال ۱۹۸۷) رسیده است (حدود ۲۶/۶ درصد کاهش نشان می دهد). رشد متوسط تولید ناخالص داخلی بقیصمت ثابت بین سالهای ۱۹۶۵-۷۳ حدود ۷/۹ درصد بوده، که این رقم در بین سالهای ۱۹۷۳-۸۴ به ۵/۱ درصد کاهش یافته است. در سال ۱۹۸۶ تولید ناخالص داخلی واقعی این کشور رُشدی منفی معادل ۳/۸ درصد داشت لیکن این رقم در سالهای بعد بهبود یافت و در سال ۱۹۸۷ به ۱/۴ درصد رسید. ارزش تولید ناخالص داخلی در سال ۱۹۸۷ بالغ بر ۱۹۵۶۰۰ میلیارد پزو بوده است. برخلاف انتظارات، رشد تولید ناخالص داخلی مکزیک در سال ۱۹۸۸، افزایش اندکی

نمایندگان احزاب اقلیت تشکیل می دهند. از اول دسامبر سال ۱۹۸۹، کارلوس سالیناس (Carlos Salinas de Gortari) - بعنوان رئیس جمهور جدید مکزیک انتخاب گردید. وی در زمانی که کشور با مشکلات بسیاری دست به گریبان بود به قدرت رسید. رئیس جمهور جدید در سخنرانی خود تصریح نمود که قصد دارد کشورش را به یک کشور قدرتمند تبدیل نماید. برای دستیابی به این هدف او به قوی تر کردن دموکراسی، بهبود و امنیت اقتصادی و بهبود استانداردهای رفاهی زندگی اشاره نمود. وی تأکید کرد که اصلاحات اقتصادی هم اکنون در گرو اولویت دادن به بازپرداخت بدهیهای خارجی می باشد. استراتژی وی برای دستیابی به رشد اقتصادی، بر اساس بکارگیری سرمایه گذارهای دولتی بعنوان محور و با تأکید بر گسترش مشارکت بخش خصوصی است در ارتباط با سطح زندگی مردم نیز هدف وی از بین بردن فقر، تأمین امنیت عمومی، ارائه خدمات اساسی سراسری و بالابردن سطح زندگی در مکزیکوسیتی می باشد.

در زمینه سیاست خارجی، مکزیک عمدتاً از آمریکا تبعیت می کند. هر چند در مقاطع خاصی روابط میان دو کشور تیره گشته اما شرایط سیاسی - اقتصادی حاکم در کشور بخصوص بحران بدهیها همواره این

1- EIU, *Country Report, Mexico No 1, 1989* (London: EIU, 1989) P. 5.

2- EIU, *Country Profile, Mexico 1988- 89* (London: EIU 1988- 89) P. 11.

تورم و مبارزه با آن یکی
از مشکلات اصلی مکزیک
و هدف عمده سیاست‌گذارهای
دولت می‌باشد.

حدود ۸۵۰ هزار مکزیک‌ی وارد بازار کار می‌شوند. در سالهای ۱۹۸۶ مرکز مطالعات کار (The Center for Work Studies) ۳/۳۶ میلیون نفر نیروی آماده برای کار را در این کشور گزارش کرده است. نرخ بیکاری در انتهای سال ۱۹۸۸ به ۱۹/۲ درصد رسید که با احتساب نرخ اشتغال ناقص (Under-employment) — به حدود ۳۸/۵ درصد

می‌رسد. عوامل کلیدی در افزایش بیکاری در مکزیک: کاهش نیروی کار در بخشهای دولتی و رکود در سایر بخشها (نیروی کار تنها در بخش صنعت در سال ۱۹۸۶ بیش از ۵ درصد کاهش داشته است) بوده است. رکود بویژه در بخش ساختمان، ضربه شدیدی را بر اشتغال وارد نمود و حدود یک میلیون نفر را بیکار کرد. احتمالاً با تداوم این وضعیت در آینده، نیروی کار به سمت مشاغل خدماتی شخصی، خرده فروشی، فعالیت‌های جنبی و مهاجرت از کشور حرکت خواهد کرد. کارآیی نیروی کار نیز بطور سنتی بالانیست (در بخش صنعت بطور متوسط، سالانه ۲/۵ درصد در بین سالهای ۱۹۷۰-۸۱ افزایش کارآیی وجود داشته که این هم بدین دلیل است که صنعت مکزیک بیشترین تلاش خود را در ارتباط با سیاست جایگزینی واردات قرارداد کرده تا جهت دستیابی به بازارهای صادراتی) و بیشترین تمرکز بر بازارهای داخلی - که از حمایت بالایی نیز برخوردار بوده - میباشد.

یافت و تنها ۴/ درصد برآورد گردید و پیش بینی شده بوده که این رقم در سال ۱۹۸۹ به یک درصد برسد. عوامل اصلی در کاهش تولید ناخالص داخلی و سرانه این کشور عمدتاً به نرخهای بالای تورم و بدنبال آن تنزل شدید ارزش پول و اتکاء به درآمدهای نفتی و کاهش آن در سالهای اخیر و نرخ بالای رشد جمعیت (بیش از ۲/۵ درصد) بر می‌گردد.

اشتغال و بیکاری:

علی‌رغم کاهش در نرخ زاد و ولد و افزایش مهاجرت‌های بی‌رویه به آمریکا در سالهای اخیر، نرخ رشد نیروی کار بسیار بیشتر از نرخ رشد جمعیت بوده است. افزایش زاد و ولد در دهه ۱۹۶۰ باعث گردید تا نیروی کار مکزیک در بین سالهای ۱۹۸۲-۸۶ بیش از ۱۵۰ درصد افزایش یابد^۱. و این در حالی است که طی این دوره رشد جمعیت سالانه کمی بیش از ۲/۵ درصد بوده است. ضمن اینکه همه ساله

1- Ibid, P. 12.



تورم

پس از آن آموزش و بیمه (۵۸/۷ درصد)، مواد غذایی، نوشیدنیها و دخانیات (۵۷/۸ درصد) در رده های بعدی قرار داشتند. در سال ۱۹۸۸ شاخص قیمت های تولید کننده، ۳۷/۵ درصد افزایش یافت در حالی که در سال ۱۹۸۷ این نرخ رشد، ۱۶۶/۵ درصد بود. در سال ۱۹۸۷ شاخص قیمت کالاهای مصرفی ۴۶۲۴/۷ بود که نسبت به سال ۱۹۸۶ (۱۹۹۴/۹) ۱۳۱/۸ درصد افزایش داشته است (۱۹۸۰ = ۱۰۰). بر اساس برآوردهای انجام شده پیش بینی گردیده بود که در انتهای سال ۱۹۸۹، نرخ تورم به ۳۰ درصد کاهش یابد.

تورم و مبارزه با آن همواره یکی از مشکلات اصلی مکزیک و هدف عمده سیاست‌گذارهای دولت میباشد. نرخ تورم در سال ۱۹۸۸ به حدود ۱۵۱/۷ درصد رسید که نسبت به سال ۱۹۸۷ (۱۵۹/۲ درصد) کاهش چشمگیری یافته است. (اگرچه این رقم بالاتر از نرخ ۵۰ درصدی بود که در اهداف دولت گنجانده شده بود) بالاترین درصد افزایش قیمت ها در سال ۱۹۸۸ مربوط به مسکن (که شامل اجاره بها، گاز و برق نیز می شود) بود که ۸۴/۲ درصد افزایش یافت

بخش کشاورزی:

بخش کشاورزی (شامل جنگل و ماهیگیری) با اینکه در سال ۱۹۷۰ حدود ۱۲ درصد از تولید ناخالص داخلی را شامل می شد لیکن این سهم در سال ۱۹۸۴ به ۸/۵ درصد و در سال ۱۹۸۶ به ۹ درصد بالغ گردید. این بخش بعلت بهره برداری از زمینهای کوچک و دیم و همچنین تمرکز بیش از حد کشاورزان در مناطق کشاورزی روستایی، از کارآیی لازم برخوردار نمی باشد. محصولات عمده این بخش شامل: ذرت، گندم، برنج و لوبیا قرمز است ضمن اینکه پنبه، قهوه، میوه و سبزیجات (بویژه گوجه فرنگی) جزو محصولات عمده صادراتی مکزیک بشمار می آیند. شکر نیز تا سال ۱۹۷۹ جزو اقلام صادراتی این کشور محسوب می شده است. قهوه یکی از محصولات عمده صادراتی مکزیک است که در آمدی بالغ بر ۴۸۱ میلیون دلار (۲/۲ درصد از کل درآمد صادراتی) را در سال ۱۹۸۵ داشته است. افزایش قیمت این محصول در سال ۱۹۸۶ (بدلیل کاهش عرضه قهوه برزیل) سبب گردید تادآمد صادراتی آن به رقم بالای ۸۲۲ میلیون دلار برسد^۱ و نهایتاً کل درآمد صادراتی بخش کشاورزی

علی رغم کاهش در نرخ زاد و ولد و افزایش مهاجرهای بی رویه به امریکا، نرخ رشد نیروی کار به مراتب بیشتر از نرخ رشد جمعیت بوده است.

را در این سال ۵۹ درصد افزایش دهد. خشکسالی، طوفان، فقدان سرمایه گذاری جدید، کاهش اعتبارات زراعی و کاهش قیمت های حمایتی (سویسید) همگی از عوامل کاهش عرضه محصولات کشاورزی در سال ۱۹۸۸ بوده اند. تولید ذرت از ۱۴ میلیون تن در سال ۱۹۸۷ به ۱۲/۵ میلیون تن در سال ۱۹۸۸ کاهش یافته^۲ در حالی که تقاضا برای این محصول در همین سال، ۱۷ میلیون تن برآورد شده بود. بهمین ترتیب برنج نیز در سال ۱۹۸۸ حدود ۳۰۰ هزار تن تولید گردید که تنها نیمی از نیازهای کشور را پاسخ گفته است. تولید لوبیا تحت تأثیر آب و هوای نامناسب ۷۰۰ هزار تن بود و با وجود ۳۰۰ هزار تن ذخیره این محصول، هنوز برای تقاضای ۱/۲ میلیون تنی نا کافی است تنها گندم در بین این محصولات استثنا بوده و این در حالی است که تولید آن بین ۴ تا ۵ میلیون تن گردیده است. ضمن اینکه تقاضا

1- Europa Publications, *Europa Yearbook*, vol. 2, 1987 (London: Europa Publications, 1987) P. 1876.

2- EIU, Country Report, *Op. Cit*, P, 13.

برای آن حدود ۳/۸ میلیون تن بوده است در سال ۱۹۸۸ بر اساس برآوردهای شورای ملی کشاورزی (Consejo Nacional Agrop-ecuario) ۸ میلیون تن غلات به کشور وارد شده و پیش بینی گردیده است که در سال ۱۹۸۹ به ۱۲ میلیون تن برسد. با وجودی که دولت در بودجه سال ۱۹۸۸، تنها سرمایه گذاری در بخش کشاورزی را ۲ درصد افزایش داده بود لیکن آمارها نشان می دهد که سرمایه گذاری دولتی در این بخش در شش سال گذشته ۳۵ درصد کاهش داشته است و این درحالی است که سرمایه گذاری بخش خصوصی در بخش کشاورزی نسبت به سایر بخشها در پایین ترین حد خود قرار دارد.

معادن:

مکزیک از بیش از ۴۰ معدن مختلف بهره برداری می کند. این کشور تولید کننده عمده نقره، سولفات استرانسیوم (Celestite) (So₄Sr) —، فلورایت (Fluorite) و تولید کننده اصلی جیوه (Mercury)، سنگ سرمه یا آنتیموان (Antimony)، کادمیم (Cadmium)، منگنز و روی می باشد. بخش معدن در بین سالهای ۱۹۷۰-۸۰ سالانه رشد متوسطی معادل ۳ درصد داشته است^۱. تولید نقره مکزیک از سال ۱۹۸۳ بدنبال استخراج بزرگترین معدن نقره جهان در رئال دی آنجلس (Angeles)

(Real de — Zacatecas) در زاکاتکاس (Zacatecas) افزایش یافته و از ۱۵۵۰ تن در سال ۱۹۸۲ به ۲۳۳۲ تن در سال ۱۹۸۶ رسیده است. اولین معدن فسفات در مکزیک در اوایل دهه ۱۹۸۰ آغاز بکار نمود و انتظار میرود که از محصولات آن در جهت صادرات بهره برداری شود.

اولین معدن اورانیوم و پروسه بهره برداری از آن قرار بود که در سال ۱۹۸۳ در لوس آمولس (Los Amoles) در سونورا (Sonora) انجام شود لیکن تا کنون بتأخیر افتاده است. ذخایر اثبات شده اورانیوم مکزیک بالغ بر ۱۵ هزارتن و ذخایر بالقوه آن حدود ۱۵۰ هزارتن می باشد. بر اساس برنامه ریزیهای انجام شده در جهت توسعه معادن مبلغ ۳۲۲ میلیارد پزو بین سالهای ۱۹۸۴-۸۶ در معادن سرمایه گذاری شده است.

مکزیک تا سال ۱۹۲۱ عمده ترین تولید کننده نفت در جهان بود لیکن از سال ۱۹۳۸ که صنعت نفت این کشور ملی گردید، تولید نفت بمیزان قابل ملاحظه ای کاهش یافت. بدنبال کشف ذخایر عظیم نفتی در تاباسکو (Tabasco) و چیپاس (Chiapas) در دهه ۱۹۷۰، تولید این محصول بمیزان زیادی افزایش یافت و در طی سالهای ۱۹۸۱-۸۴ مکزیک چهارمین تولید کننده نفت جهان بود. در مارس سال ۱۹۸۵ ذخایر اثبات شده نفت و گاز طبیعی

1- Europa Yearbook, Op. Cit, P. 1877.



حدود ۷۱۷۵۰ میلیون بشکه و ذخایر بالقوه این کشور حدود ۲۵۰ میلیارد بشکه بوده است^۱ که در این زمینه مقام پنجم را در جهان داراست. شرکت نفت مکزیک (Petróleos Mexicanos- PEMEX) بیشترین نیروی کار شاغل را (حدود ۱۰۰ هزار نفر) در خود جذب کرده و بزرگترین سرمایه گذار صنعتی در این کشور محسوب می شود.

نفت و گاز حدود ۷۰ درصد از نیروی برق را تأمین می کند. مکزیک عمده ترین عرضه کننده نفت به آمریکاست. در سال ۱۹۸۳ صادرات نفت این کشور بطور متوسط روزانه ۱/۵ میلیون بشکه و کل محصول تولید شده آن روزانه ۲/۷ میلیون بشکه بوده است. در سال ۱۹۸۴، تولید روزانه بطور متوسط ۲/۷ میلیون بشکه و درآمد صادرات نفت خام حدود ۱۵ میلیارد دلار بوده که حدود ۶۲ درصد از درآمد صادراتی این کشور را تأمین نموده است. در سال ۱۹۸۵، بدنبال تصویب کاهش قیمت نفت از طرف دولت، همراه با کاهش صادرات نفت در اواسط سال مذکور (صادرات در ماه ژوئن به ۸۰۰ هزار بشکه در روز رسید) درآمدهای صادراتی کاهش یافت و به ۱۳/۵ میلیارد دلار رسید. علی رغم تداوم عدم اطمینان در قیمت‌های بین المللی نفت، دولت مکزیک تعهدات خود را در زمینه گسترش این صنعت و برنامه افزایش تولید نفت خام تا سقف ۳/۳ میلیون بشکه در روز، تا سال ۱۹۸۹ را دنبال نموده است. با این

وجود کاهش شدید قیمت‌های بین المللی نفت در سال ۱۹۸۶ بحران شدیدی را برای این صنعت و اقتصاد مکزیک به همراه آورد. درآمد حاصل از صادرات نفت در سال ۱۹۸۶ نسبت به سال قبل ۵۸ درصد کاهش یافت و به حدود ۵/۵ میلیارد دلار رسید. قیمت‌های نفت خام مکزیک از ماه اکتبر سال ۱۹۸۸ در مسیری که سایر بازارها در جهان دنبال می نمودند قرار گرفت که این امر ثمره اجلاس ماه نوامبر اوپک بود. با این وجود متوسط قیمت نفت ۱۲ دلار برای هر بشکه در سال ۱۹۸۸ بسیار پایین تر از ۱۵/۵ دلار برای هر بشکه ای بود که دولت برای آن برنامه ریزی نموده بود. در خلال سال ۱۹۸۸، صادرات شرکت نفت مکزیک به یک میلیون و سیصد و پنچ هزار بشکه در روز

کاهش شدید قیمت‌های بین المللی
نفت در سال ۱۹۸۶، بحران شدیدی
را برای صنعت و اقتصاد مکزیک
به همراه آورد.

رسید^۱ بخش اعظمی از صادرات نفت این کشور به آمریکا (۵۲ درصد) و پس از آن به اسپانیا (۱۵/۷ درصد)، خاور دور (۱/۱۴ درصد) و اروپا (۱۳ درصد) صورت می‌پذیرد.

صنعت:

مکزیک در بین کشورهای جهان سوم دارای پیشرفته‌ترین بخشهای صنعتی می‌باشد. در بین سالهای ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۰ این بخش سالانه رشدی معادل ۸/۱ درصد داشته است. در سال ۱۹۸۱ رشد بخش صنعت معادل ۷/۴ درصد بوده (این ارقام شامل بخش نفت و پتروشیمی که در سال ۱۹۷۹، ۲۲ درصد رشد داشته نیز می‌شود). اما در سال ۱۹۸۲ بعلت فرار سرمایه، تنزل ارزش پزو، کاهش ذخایر ارزی و رکود شدید در بازار داخلی، رشد آن متوقف گردید و تولیدات این بخش ۲/۴ درصد کاهش یافت.^۲ در سال ۱۹۸۳ این کاهش در تولید به ۷/۳ درصد رسید لیکن طی سالهای ۱۹۸۴ و ۱۹۸۵ بترتیب از رشد مثبتی معادل ۴/۸ و ۴/۲ درصد برخوردار گردید. تولید اتومبیل در مکزیك در بین سالهای ۱۹۷۷-۸۱ سالانه ۲۰ درصد افزایش داشته است. در سال ۱۹۸۵، درآمد حاصل از صادرات اتومبیل بالغ بر ۱/۶ میلیارد دلار بود

که ۲۱۰ میلیون دلار بیش از ارزش واردات اتومبیل این کشور بوده است. در سال ۱۹۸۶ تعداد اتومبیل‌های تولید شده ۱۷۰ هزار دستگاه بوده است. بطور کلی برنامه صنعتی شدن که از ابتدا بر اساس سیاست جایگزینی واردات قرارداداشت با استفاده و استخراج از معادن در جهت تولیدات صنعتی و ارتباط تکمیلی بین آنها تقویت گردید؛ بعنوان مثال، از معادن سنگ آهن در جهت تولید فولاد (میزان تولید در سال ۱۹۸۷، ۷ میلیون و ۱۰۰ هزار تن بوده است)^۳، از فلزات غیر آهنی، فرآورده‌های نیمه نهایی و از نفت در جهت تولید محصولات پتروشیمی استفاده شده است.

در سال ۱۹۸۸ برنامه آزاد سازی تجاری منتج به افزایش رقابت خارجی گردید و همین امر باعث شد تا تولید کنندگان داخلی بخش عمده‌ای از سهم خود را در بازار داخلی از دست بدهند. بطوری که در سال ۱۹۸۳، شرکت‌های دولتی، ۹۶ درصد از بازار داخلی را در اختیار داشتند اما این نسبت در سال ۱۹۸۸ به ۴۳ درصد کاهش یافت.

1- EIU, Country Profile, *Op. Cit.*, P. 12.

2- Europa Yearbook, *Op. Cit.*, P. 1877.

3- EIU, Country Profile, *Op. Cit.*, P.22.



تجارت خارجی

میزان و ارزش صادرات و واردات:

قیمت های پایین نفت و افزایش اساسی واردات در سال ۱۹۸۸، سبب کاهش شدید در مازاد تجاری مکزیک گردیده و از ۸/۴ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۷ به ۱/۰۶ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۸ رسید^۱. در سال ۱۹۸۸ واردات، ۵۲/۴ درصد افزایش داشته و از ۱۲/۲ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۷ به ۱۸/۶ میلیارد دلار رسیده است که بخشی از آن ناشی از آزاد سازی تجاری در سال ۱۹۸۸ و

بخشی دیگر نیز به دلیل تنزل ارزش پزو و روی آوردن مردم بخرید کالا پیش از تنزل مجدد پزو بوده است. عامل مؤثر دیگر، عدم تکافوی عرضه داخلی (نمونه بارز آن، غلات) می باشد. در عین حال صادرات از ۲۰/۷ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۷ به ۱۹/۶ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۸ رسیده و درآمدهای نفتی در این سال ۲/۱ میلیارد دلار کاهش یافت و به ۶/۵ میلیارد دلار بالغ گردید. اما صادرات غیر نفتی رشدی معادل ۸ درصد داشت و به ۱۳/۱ میلیارد دلار افزایش یافت که تا حدودی توانست کاهش

1- EIU, Country Report, *Op. Cit.*, P. 14.

کسری حساب جاری مواجه گردید. علت این کسریهای شدید نقش واردات در افزایش زیاد هزینه های دولتی و همچنین بالا بودن بیش از اندازه نرخ برابری ارز و افزایش در حجم بدهیهای معوقه خارجی و نرخ بهره دلار بوده است که همگی این عوامل منجر به خروج سایر درآمدهای سرمایه گذاری (اغلب بصورت پرداخت بهره) به میزان ۸/۴ میلیارد دلار گردیده است هنگامی که مکزیک در سال ۱۹۸۲ اعلام نمود که قادر نیست اصل و فرع بدهیهای خود را بپردازد، این امر بیهای تنزل شدید ارزش پول این کشور تمام شد و برنامه ریاضت طلبانه دولت بر هزینه های دولتی تأثیر بسزایی گذاشت و سبب گردید تا در بین سالهای ۱۹۸۳-۸۵، در مقایسه با سالهای ۱۹۸۰-۸۱ حساب جاری از کسری به مازاد و حساب سرمایه از مازاد به کسری چرخش نماید. اما این تصویر مجدداً در سال ۱۹۸۶ وارونه شد و آن هنگامی بود که قیمت های نفت شدیداً کاهش یافت و حساب جاری را مجدداً به کسری و حساب سرمایه را به مازاد مبدل نمود. بهبود در حساب سرمایه عمدتاً بدلیل ورود سرمایه ناشی از برنامه معاوضه سهام بجای بدهیها^۲ در نیمه دوم سال مذکور بوده است. کاهش حجم نقدینگی و افزایش نرخهای بهره نیز منجر به بازگشت سرمایه به داخل و متعاقباً بهبود قابل

صادرات مکزیک در سال ۱۹۸۹
بالغ بر ۲۰/۷ میلیارد دلار بوده
که ۶/۲ میلیارد دلار آن به
صادرات نفت اختصاص دارد.

درآمدهای نفتی را جبران نماید. بر اساس برآوردهای انجام شده ارزش صادرات (فوب) این کشور در سال ۱۹۸۹ بالغ بر ۲۰/۷ میلیارد دلار می باشد که از این میزان ۶/۲ میلیارد دلار آن به صادرات نفت اختصاص دارد ضمن اینکه در همین سال ارزش واردات (فوب) نیز بالغ بر ۱۹/۹ میلیارد دلار برآورد شده است.

تراز پرداختها

در بررسی وضعیت تراز پرداختهای مکزیک، سال ۱۹۸۱ را می توان بعنوان سالی که این کشور با بالاترین کسری در حسابهای تجاری و جاری خود مواجه بوده است نام برد. در این سال کل صادرات مکزیک علی رغم افزایش صدور نفت (۱/۵ میلیون بشکه در روز و با متوسط قیمتی حدود ۳۳/۲۰ دلار برای هر بشکه) با ۴/۱ میلیارد دلار کسری تجاری و ۱۳/۹ میلیارد دلار

1- EIU, Country Report, *Op. Cit.*, P. 15.

۲- قابل ذکر است که یکی از روشهای پرداخت بدهیها در کشورهای جهان سوم، واگذاری سهام به ازاء بخشی از بدهیها به طلبکاران می باشد.

ملاحظه‌ای در تراز پرداختها گردید. در سال ۱۹۸۷ حساب جاری به مازادی حدود ۳/۹ میلیارد دلار دست یافت که نسبت به کسری سال ۱۹۸۶ (حدود ۱/۷ میلیارد دلار) شایان توجه می‌باشد.

اقلام عمده صادراتی و وارداتی:

عمده ترین اقلام صادراتی این کشور در سال ۱۹۸۷ شامل کالاهای صنعتی (۹۹۰۷ میلیون دلار)، نفت و فرآورده‌های آن (۸۶۳۰ میلیون دلار)، محصولات کشاورزی (۱۵۴۳ میلیون دلار) بوده است.^۱ اقلام وارداتی مکزیک در این سال نیز شامل: کالاهای واسطه‌ای (۸۸۲۴ میلیون دلار)، کالاهای سرمایه‌ای (۲۶۳۱ میلیون دلار) و کالاهای مصرفی (۷۶۸ میلیون دلار) بوده است.

شرکای عمده تجاری

در بین کشورهای طرف تجاری مکزیک، امریکا بالاترین حجم مبادلات تجاری را با این کشور داراست. مکزیک در سال ۱۹۸۷، حدود ۶۹/۶ درصد از صادرات خود را به امریکا فروخته ضمن اینکه ۷۳/۵ درصد از واردات مکزیک از امریکا تأمین شده است.

پس از امریکا، ژاپن ۵/۶ درصد از صادرات و ۷/۱ درصد از واردات مکزیک را بخود اختصاص داده است و در رده‌های بعد

آلمان غربی، اسپانیا، کانادا و فرانسه قرار گرفته‌اند. در میان این کشورها، آلمان غربی، با سهمی معادل ۴/۲ درصد در واردات مکزیک مقام سوم را کسب نموده است. در سال ۱۹۸۸ متوسط واردات ماهانه آمریکا از مکزیک حدود ۱۹۲۲/۸ میلیون دلار و در مقابل متوسط صادرات ماهانه آمریکا به این کشور حدود ۱۵۷۴ میلیون دلار بوده است.^۲

نرخ برابری پول

نرخ متوسط ارزش پزو در مقابل دلار آمریکا در سالهای اخیر بشدت تنزل نموده و از ۱۶۷/۸ پزو در مقابل یک دلار در سال ۱۹۸۴ به حدود تقریبی ۲۲۸۱ پزو در سال ۱۹۸۸ رسیده است. به این ترتیب در فاصله این سالها پزو حدود ۱۴ برابر کاهش ارزش داشته است در ۱۳ فوریه سال ۱۹۸۸ نرخ برابری پول این کشور در مقابل دلار، ۲۳۰۴ پزو بوده است.

نزدیک به ۷۰ درصد از صادرات و واردات مکزیک با ایالات متحده آمریکا صورت می‌گیرد.

1- Ibid, P. 2.

2- Ibid, P. 20.

نتیجه گیری

مکزیک همانند یک کشور جهان سومی و بخصوص متکی به درآمدهای نفتی، همواره در معرض بحرانهای اقتصادی-اجتماعی - که عمدتاً ناشی از نوسانات شدید قیمت های جهانی نفت، حجم بدهیهای بالا^۱ و تورم سنگین بوده- قرار داشته است. با این وجود مکزیک توانسته با بکارگیری سیاست جایگزینی و اردات و اتکاء به بازارهای داخلی و ایجاد ارتباطات زنجیره ای بین بخش معادن و کشاورزی با صنایع از زیربار پاره ای از فشارها موفق بیرون آید.

پیشرفتهای مکزیک در بُعد حسابهای خارجی قابل توجه است و مازاد تجاری کشور بین سالهای ۱۹۸۲-۸۷ بین ۷ تا ۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی کشور بوده است. اگر چه ارقام با توجه به شرایط و بحرانهای خاص اقتصادی نوسانات فاحشی داشته اند؛ بعنوان مثال، در سال ۱۹۸۶ بدلیل کاهش شدید قیمت نفت، مازاد تجاری نیز بشدت کاهش یافته و تقریباً به نصف سال قبل از آن رسیده است. ذخایر رسمی نیز از رقم ۲ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۲ به نزدیک ۹ میلیارد دلار در پایان سال ۱۹۸۷ بالغ شده^۲ که بالاترین رقم در تاریخ اقتصاد کشور بشمار میرود. در زمینه کنترل تورم نیز تا حدودی این کشور موفق بوده و توانسته است

با اجرای سیاستهای تثبیتی نرخ سه رقمی آنرا به دو رقمی کاهش دهد ضمن اینکه چشم انداز جهت کاهش بیشتر آن نیز وجود دارد.

اما بحران بدهیهای عظیم مکزیک همواره به عنوان یک عامل کلیدی و تعیین کننده بر سر راه حل مشکلات اقتصادی آن وجود داشته و دارد بنحوی که رئیس جمهور جدید (کارلوس سالیناس) هرگونه اصلاح اقتصادی را در گرو اولویت دادن به این مسئله مهم دانسته است. در مجموع مکزیک با دارا بودن منابع غنی طبیعی و انسانی و با اتکاء به نیروی کار ارزان خود در زمینه صدور کالا و تنوع در تولید محصولات صادراتی موفق بوده است و چنانچه نوسانات شدیدی در قیمت های نفت بوجود نیاید و با بکارگیری سیاستهای مناسب، امید آن می رود که بتواند تا حدودی بر مشکلات موجود خود غلبه نماید. بنحوی که هم اکنون پیش بینی نموده اند که در طی دهه ۱۹۹۰، میزان رشد اقتصادی مکزیک به ۴ تا ۵ درصد در سال برسد^۳.

۱- تا پایان دسامبر سال ۱۹۸۷ کل بدهی خارجی این کشور بالغ بر ۱۰۷/۹ میلیارد دلار بوده است.

۲- به نقل از: وزارت امور اقتصادی و دارائی، مجله اقتصادی، شماره ۶ (شهریور ۶۷).

۳- پیشین.

مکزیک در زمره مقروض ترین کشورهای جهان است و بدهیهای خارجی این کشور در پایان سال ۱۹۸۷ به ۱۰۷/۹ میلیارد دلار بالغ می‌گردد است.



منابع و مأخذ:

- 1- Europa Publications, *Europa Yearbook 1987*, vol. 2, London: Europa Publications 1987.
- 2- EIU, Country Profile, *Mexico, 1988- 89*, London: EIU, 1988.
- 3- EIU, Country Report, *Mexico No 1, 1989*, London: EIU 1989.

۴- «وام کشاورزی بانک جهانی به مکزیک» مجله اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارائی، سال سوم شماره ۶ (۶۷/۶/۱۵).